

ویتگنشتاین و فرد بیان

یکی از واقعیت‌های فرهنگ و ادب روزگار معاصر این است که آثار مولانا جلال‌الدین بلخی معروف به مولوی، پس از کتابهای آسمانی، از جمله پرفروش‌ترین کتابهای جهان امروز شده است. بویژه کتاب مثنوی. مقبولیت و محبوبیت فراگیر و جهانی آثار مولوی کنجکاوی گزارشگر را برانگیخت. هر کس اندک آشنایی با صنعت نشر داشته باشد می‌داند شرط لازم برای مقبولیت و محبوبیت پیوسته و روزافزون هر اثری، نو و تازه بودن مطالب و مضامین مطرح شده در آن اثر است. جستجو در این باره، یعنی مقایسه و سنجش آراء و نظرات اندیشمندان امروز با آنچه مولانا در آثار خود ابراز داشته، نتیجه‌های حیرت‌انگیز به بار می‌آورد از جمله:

لودویک ویتگنشتاین بلند آوازه‌ترین اندیشمند و فیلسوف عصر حاضر است. مشهورترین اثر او «رساله‌ی منطقی - فلسفی» است که با وجود حجم اندک در آن ادعا شده کلید قفل تمام مشکلات فلسفی است. درباره‌ی اهمیت این اثر هشتاد و چند صفحه‌ای کافی است یادآور شد تاکنون دست کم نزدیک به سه هزار شرح، به زبان‌های گوناگون، بر آن نوشته و چاپ و منتشر شده است.

«رساله منطقی - فلسفی» ویتگنشتاین با عبارتی پایان می‌پذیرد که جان کلام آن عبارت،

بزیان ساده، این است که:

«اگر این رساله، چنانکه باید و شاید، درک شود تاریخ مصرف آن بسر خواهد آمد و بی‌فایده می‌شود. باید بدورش افکند. مانند کسی که برای رسیدن به بام از نردبان بالا رود. چون به بام رسید دیگر دلبستگی و نیازی به نردبان نخواهد داشت.»^۱

همین مضمون را، با همین مثال «نردبان»، مولانا، تقریباً هشت قرن پیش از ویتگنشتاین، متذکر شده می‌گوید:

چون شوی بر بامهای آسمان سرد گردد جستجوی نردبان^۲

شاید این گمان پیدا شود که ویتگنشتاین صورت خیال «نردبان» را در یکی از ترجمه‌های متعدد مثنوی، به زبان انگلیسی یا آلمانی، دیده و آن را وام گرفته و در رساله‌ی منطقی - فلسفی بکار برده. چنین گمانی درست نیست زیرا در ذهن مولانا مثال بالا رفتن از نردبان و بی‌نیاز شدن از آن ابعاد بسیار گسترده‌تری از آنچه در ذهن ویتگنشتاین بوده دارد. ویتگنشتاین تنها در پایان رساله منطقی - فلسفی، آنهم در پرانتز، مثال نردبان و استفاده و بی‌نیازی از آن را، پس از رسیدن به بام، می‌آورد. حال آن که مولانا در سر تا سر کتاب عظیم مثنوی به مناسبت‌های گوناگون و در مرحله‌های مختلف یادآور «نردبان» است.

ویتگنشتاین تنها از نردبانی گفتگو می‌کند که با آن به بالای بام می‌رسند. اما مولوی در آغاز متذکر انبوه توده‌های نردبان‌هایی است که اکثریت جانداران، از جمله آدمیان، قصد بالا رفتن از آن را دارند. اما هیچگاه کامیاب نمی‌شوند. به بام نمی‌رسند و سقوط می‌کنند. می‌گوید:

نردبان خلق این ما و منی است عاقبت این نردبان افتادنی است
هر که بالاتر رود احمق‌تر است استخوانش خوردتر خواهد شکست^۳
مولانا سپس متذکر نردبانی می‌شود که با آن به بالای بام می‌توان رسید، که تعداد نسبتاً

۱. ترجمه تا اندازه‌ای دقیق و کلمه به کلمه عبارت ویتگنشتاین چنین است: «گزاره‌های من بدین راه روشن کننده‌اند که: آن کس که نگر بسته مرا دریابد، هنگامیکه طی گزاره‌های من - یعنی بر پایه آنها - از گزاره‌های من بالا رود آنها را بی‌معنا می‌یابد. (به یک تعبیر، او پس از بالا رفتن از نردبان، باید نردبان را بدور افکند). صفحات ۱۶ - ۱۱۵. «رساله منطقی - فلسفی»، ترجمه دکتر شمس‌الدین ادیب سلطانی، امیرکبیر، تهران ۱۳۷۱.

۲. مثنوی، چاپ جیبی، جلد اول - صفحه ۲۰ - انتشارات توس، تهران.

۳. همان ماخذ - جلد چهارم - صفحه ۲۴۱



● لردویک ویتگنشتاین (۱۸۸۹ - ۱۹۵۱)

معدودی از آدمیان از آن بالا می‌روند، و این همان نردبان منظور ویتگنشتاین است که به گونه‌ای قطعی رأی می‌دهد چون بالا رونده از این نوع نردبان به بالای بام [مقصد] رسید از نردبان بی‌نیاز شده دیگر دلبستگی بدان ندارد. مولانا سردی نسبت به نردبان را می‌پذیرد اما در مورد بی‌نیازی از آن قائل به استثناست. در موارد خاص استفاده دوباره از آن را تجویز می‌کند:

چون شدی بر بامهای آسمان سرد گردد جستجوی نردبان
جز برای یاری و تعلیم خیر سرد باشد راه خیر از بعد خیر

محدودیت ذهن ویتگنشتاین نسبت به اندیشه مولانا بعد از رسیدن به بام و بی‌نیاز شدن از نردبان آشکار می‌شود. اگر جوینده‌ای از ویتگنشتاین پرسش کند:

«آمدیم به بالای بام رسیدیم و از نردبان بی‌نیاز شدیم بعد چه؟»

ویتگنشتاین پاسخ این پرسش را در پیشگفتار کوتاه «رساله منطقی - فلسفی» داده و در سطرهای پایانی پیشگفتار پاسخی، نه اگر یأس آور اما در ضمن نه چندان راهگشا، می‌دهد. پاسخی که ویتگنشتاین به پرسش «پس از رسیدن به بام چه باید کرد؟» می‌دهد به زبان ساده چنین است:

«ارزش رساله منطقی - فلسفی دو جنبه دارد:

یکی آن که در این اثر اندیشه‌ها ابراز شده‌اند و می‌پذیریم که در این ابراز اندیشه

آنچنان که باید و شاید روان و دلنشین نبوده‌ام.

دیگر آن که در درستی اندیشه‌های ابراز شده در رساله تردید نیست. پس بر این باورم به گونه‌ای قطعی و همیشگی مشکلات فلسفی را گشوده‌ام. اگر در این باور خطا نکرده باشم جنبه دوم این اثر آشکار می‌سازد حال که همه‌ی مشکلات فلسفی گشوده شده چه اندک راهی در برابر درازی سهمگین راهی که در پیش است پیموده شده.^۱

۱. ترجمه تا اندازه‌ای دقیق و کلمه به کلمه عبارت ویتگنشتاین در عبارت آخر پیشگفتار رساله منطقی - فلسفی چنین است:

«اگر این نوشته اصلاً ارزش داشته باشد، آن‌گاه این ارزش مرکب از دو جنبه است. نخست اینکه در این نوشته اندیشه‌هایی بیان شده‌اند و این ارزش هر چه اندیشه‌ها بهتر بیان شده باشد... بیشتر خواهد بود. در این باره من به خود آگاهم که سخت واپس‌تر از امکان بیان بهتر فرو مانده‌ام...»

در برابر آن، راستی اندیشه‌های که در اینجا به اطلاع رساننده شد به فکر من دست نخوردنی و قطعی می‌نماید. بنابراین، من بر این عقیده‌ام که مسئله‌ها را در بنیاد به شیوه‌ی قطعی فرو گشوده باشم و اگر در این باره دچار ایرنگ [= اشتباه] نباشم آنگاه ارزش این اثر در وهله‌ی دوم در این امر نهفته است که نشان می‌دهد نتیجه‌ی حاصل شده از فروگشائی این مسئله‌ها چه اندک است. (رساله منطقی - فلسفی صفحه ۸ ترجمه شمس‌الدین ادیب سلطانی).

نکته شگفت‌انگیز این است که هر دو جنبه منظور ویتگنشتاین: «ناتوانی در بیان روان اندیشه» و «کوتاهی راه پیموده شده نسبت به درازی راهی که باید پیموده شود» را اندیشمند دیگر ایرانی قرن‌ها پیش از ویتگنشتاین تقریباً با همان لحن بقلم آورده است:

عین القضاة همدانی آنجا که پای «ناتوانی در بیان روان اندیشه» پیش می‌آید نوشته است: «و از آنجا که من هستم این مکتوبات بایستی ظاهرتر بودی. ولیکن چنین آمد.»

نامه‌های عین‌القضاة همدانی، علینقی منزوی، بنیاد فرهنگ ایران. صفحه ۲۷۴ فقره ۴۵۵ اما چون می‌خواهد یادآور دوری و درازی هراسناک راه شود می‌نویسد: اکنون بدان ای دوست عزیز که چون مرد را حوصله فراخ گردد بداند که هر چه او می‌داند، به نسبت با آنچه باید دانست هیچ است. چون صدیقی را کمال معرفت که در حق آدمی ممکن است حاصل شود به تحقیق داند که آنچه مانده است هنوز بی‌نهایت است.



● همایون صنعتی (عکس از عی دهبندی)

مولانا - که گوئی از همان آغاز از طول و بی‌نهایتی راه آگاه است - نخست موضوع نردبانهایی که از دید پنهان‌اند را پیش کشیده و می‌گوید:

| | |
|---------------------------|----------------------------|
| پایه پایه تا عنان آسمان | نردبانهایست پنهان در جهان |
| هر روش را آسمانی دیگر است | هر گره را نردبانی دیگر است |

در ذهن مولانا نردبانهایی که آدمی را به بالای بام یا آسمان می‌رساند گونه‌گونه‌اند آن هم انواعی که با یکدیگر ارتباط مستقیم دارد. مولانا اصرار می‌ورزد استفاده از نوع اعلا تر و والاتر نردبان به تنها مستلزم بی‌نیاز شدن از نوع پائین‌تر نردبان است بلکه باید نوع پست‌تر، که دیگر مورد نیاز نیست، شکست و نابود ساخت تا بتوان نوع والاتر و عالی‌تر را به دست آورد. مولانا مطلب را می‌شکافد و با ابزار «تداعی معانی» نردبانی نجاری کرده و می‌تراشد و عرضه می‌دارد:

| | |
|---------------------------|---------------------------|
| حس دنیا نردبان این جهان | حس دینی نردبان آسمان |
| صحت این حس بجوئید از طبیب | صحت آن حس بخواهید از حبیب |
| صحت این حس زمعموری تن | صحت آن حس ز تخریب بدن |

راه جان مر جسم را ویران کند
 کرد ویران خانه بهر گنج زر
 بعد از آن ویرانی آبادان کند
 و ز همان گنجش کند معمورتر
 آب را بسپرد و جُو را پاک کرد
 پوست را بشکافت پیکان را کشید
 قلعه ویران کرد و از کافر ستد
 بعد از آن بر ساختن صد برج و سد
 پسوست تازه بعد از آتش بردمید
 چنین می نماید اگر بگوئیم میان نوردبان ویتگنشتاین تا نوردبان مولانا تفاوت از زمین تا آسمان
 است اغراق نگفته ایم.

پرسشی که شاید طرح آن سودمند باشد این است اکنون که مردم صاحب فضل و ادب جهان
 پی به ارزش حیرت‌انگیز آثار مولانا برده‌اند آیا فارسی زبانان و ایرانیان توجه لازم را بدان دارند؟



انتشارات اساطیر منتشر کرده است

- مسیحیت در ایران تا صدر اسلام / سعید نفیسی / به اهتمام عبدالکریم جریزه‌دار / ۲۹۲ ص / ۳۳۰۰ تومان
 - سرچشمه تصوف در ایران / سعید نفیسی / به اهتمام عبدالکریم جریزه‌دار / ۳۱۲ ص / ۲۹۰۰ تومان
 - سایه (انتقادات ادبی، مقامات اجتماعی، تاثرات) / علی دشتی / ۴۱۰ ص / ۳۷۰۰ تومان
 - مهد علیا (به روایت اسناد) / به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی / ۴۲۰ ص / ۴۶۰۰ تومان
 - منتخب التواریخ معینی / منسوب به معین‌الدین نطنزی / به اهتمام پروین استخری / ۴۵۴ ص / ۵۲۰۰ تومان
 - دستور زبان و گزیده متون اوستایی / ویلیامز جکسون / با پیشگفتاری از دکتر حسن رضایی باغ‌بیدی / ۱۱۲ + ۲۷۳ ص / ۱۴۰۰۰ تومان.
- میدان فردوسی، اول ایرانشهر، ساختمان ۱۰ تلفن: ۸۳۰۰۱۴۸، ۸۸۲۱۴۷۳ نامبر: ۸۳۰۱۹۸۵